

تأثیر و تأثرات مؤلفه‌های ساختار فضایی بافت تاریخی بر انطباق‌پذیری شرایط کنونی بافت (نمونه مورد بررسی بافت کهن کرمان)^۱

کاظم محسنی

گروه معماری، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران

منصور نیک‌پور^۲

گروه معماری، واحد بم، دانشگاه آزاد اسلامی، بم، ایران

سیاوش رشیدی شریف آباد

گروه معماری، واحد شهر بابک، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر بابک، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۵

چکیده

بافت کهن کرمان را نمی‌توان بافتی فرسوده در نظر گرفت که در طراحی جامع شهری آن را برجیده دانست و همچنین نمی‌توان آن را با نیازهای روز شهری نیز مطابق دانست که عملکرد متناسبی از آن انتظار داشت. این موضوع که نحوه حفظ کردن آن از شرایط کنونی به چه صورت مدبرانه‌ای باید از طرف متخصصان و مدیران شهری انجام گیرد مسأله اساسی تحقیق است. بر این اساس در نگارش پژوهشی حاضر در قسمت روش تحقیق از روش ترکیبی استفاده شده است و مبانی کیفی و اطلاعات کمی در این خصوص مورد بررسی و تحلیل و در نهایت استدلال قرار گرفته‌اند. در قسمت کمی تحقیق از عملیات میدانی علمی براساس جامعه آماری و تحلیل‌های موردی باتوجه به نمونه برداری گلوله برفی و دیگر موارد آماری و اطلاعاتی براساس نرم افزار Spss، موارد مصاحبات میدانی و پرسش‌نامه عملیاتی انجام یافته است. براساس برخورد با موضوعات تاریخی و سرزمینی موجود در پژوهش از رویکرد زمینه‌گرایی تاریخی نیز بهره گرفته شده است که در خصوص به دست آوردن اطلاعات کمی دقیق، راهکاری بهتر را ایجاد نماید. براساس یافته‌های تحقیق مؤلفه‌های معماری را تحت کدهای معماری در ساختار فضایی به صورت فرم معماری همخوان، تناسبات مقیاس انسانی، فرم و ساختار عملکردی بنای معماری، استفاده از مصالح خوانا و بادوام و پرداخت به نمای ساده و دارای هماهنگی با بافت، می‌توان در فرآیند انطباق‌پذیری معماری بافت مورد کاربرد قرار داد. موضوعی که بتوان ارزش‌های بافت را حفظ نمود.

کلمات کلیدی: بافت کهن، انطباق‌پذیری، باز زنده‌سازی، ویژگی کالبدی بافت تاریخی، کرمان.

۱- این مقاله مستخرج از رساله معماری آقای کاظم محسنی با عنوان "تبیین تأثیر ویژگی‌های فضایی بر انطباق‌پذیری بافت تاریخی کرمان" به راهنمایی جناب دکتر منصور نیک‌پور و مشاوره جناب دکتر سیاوش رشیدی شریف آباد در دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین‌المللی کیش می‌باشد.

۲- (نویسنده مسئول) nikipour@iaubam.ac.ir

مقدمه

برخورد با بافت‌های تاریخی چون بافت کهن کرمان باید به همراه سازوکار مدیریتی باشد که پشتوانه آن داشتن دانش اساسی معماری و شهرسازی از بافت و ویژگی‌های آن است. به دست آوردن این ویژگی‌ها به دلیل تاریخی بودن و متعلق به زمان گذشته بودن بسیار امر با اهمیت و دارای موانع فراوانی است که ممکن است در نهایت ویژگی‌های به دست آمده را نیز دارای درصد تشابه کامل ندانست. تحلیل ویژگی‌ها و سپس اتصال آن‌ها به موضوعات روزی چون نیازهای عملکردی شهروندان و موضوعات روانشناختی کنونی که انسان‌های گذشته را با امروز بسیار متمایز می‌داند از مهم‌ترین موارد درگیر با طراحان معماری و مدیران شهری است (Roberts, 2000). در برخورد با بافت کهن کرمان موضوع اساسی این است که نمی‌توان با رویکرد بافت فرسوده با آن برخورد نمود و در طرح‌های جامع شهری به دنبال حذف آن از چهره شهری بود. از طرف دیگر نمی‌توان اجباری از سیمای زیبا و استفاده صحیح شهروندان از آن داشت زیرا این بافت متعلق به گذشته است و در صورت اجبار در بودن آن کاربران خود بدون برنامه و برحسب نیاز متنوع خود شروع به تغییراتی بدون برنامه و صدمه زننده به کلیت آن می‌کنند. بر این اساس باید به صورت کلی بافت کهن کرمان را شناخت، ویژگی‌های آن را مشخص نمود، مؤلفه‌های معماری آن را پردازش نمود و در نهایت در برنامه‌ای تدوین شده و تخصصی منطبق‌پذیری شرایط و مؤلفه‌های گذشته را با موضوعات روز و حتی آینده در نظر گرفت و برنامه‌ریزی نمود. لازم به ذکر است در هر مرحله باید موضوعات جاری در بافت چون فرهنگ، تاریخ، سنت، جامعه و مذهب را در تمام بررسی‌ها در نظر گرفت.

بافت تاریخی کرمان به عنوان مرکزی‌ترین هسته شهر کرمان می‌باشد و می‌توان آن را اساس و پایه‌ای برای شناخت تاریخ، معماری، هنر و فرهنگ شهری بیان کرد. با گسترش شهری کرمان و بافت‌های کنونی در حال توسعه به مراکز جدیدتر نمی‌توان هسته‌های مرکزی را نادیده گرفت. لذا بافت تاریخی کرمان اهمیت خود را هیچ‌گاه از دست نخواهد داد بلکه در ارتباط با حفظ و احیای مراکز شهری از دامنه‌ای گسترده تر تحقق پیدا می‌کند. موضوع انطباق‌پذیری اسن بافت علی‌الخصوص در بحث فضای معماری و شهری می‌تواند مهم‌ترین و با ارزش‌ترین برخورد در این خصوص باشد که در این نگارش به عنوان فرضیه و راه‌حل اساسی در نظر گرفته شده است. با بررسی صورت گرفته شده در بافت تاریخی کرمان و همچنین بافت فرسوده آن در خصوص میزان ارزشمند بودن بافت در تبیین و حفظ و نگهداری ابنیه در قالب انطباق‌پذیری آنها با موضوعات شهری و معماری روز، تلاش نگارش این خواهد بود با رویکرد نظری و عملی سازنده انطباق‌پذیری در قالب‌های مختلفی چون بافت فضایی معماری، در احیاء و حفاظت بخش چشمگیری از تاریخ شهر کرمان همت گمارد. هدف اساسی پژوهش براساس روش تحقیق ترکیبی به صورت کمی و کیفی در شناخت موضوعات تخصصی درگیر در موضوعات معماری و شهری بافت کهن کرمان است که علاوه بر کسب دانش هویتی در این خصوص توان نگاهداشت آن باتوجه به شناخت اساسی این را بتوان از طریق تخصصی و کارآمد، را داشت. در این نگارش براساس روش تحقیق ترکیبی مبانی اطلاعاتی به دست آمده مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است و سپس تحت عملیات آماری با روش گلوله برفی عملیات مصاحبه علمی از طریق نمونه گلوله برفی بین جامعه متخصصین معماری و شهرسازی کرمان و سپس ساکنین و مخاطبین در برخورد با بافت انجام گرفته است. نتایج عملیات مصاحبه

براساس تحلیل‌های آماری و سپس دسته‌بندی و استدلال علمی معماری مورد بررسی قرار گرفته است و در تدوین پرسشنامه نهایی مورد استفاده قرار گرفته است که روایی و پایایی آن توسط متخصصین دانشگاهی و آمارگر مورد تایید قرار گرفته است. نتایج پرسشنامه در نهایت به عنوان اساسی‌ترین موارد به دست آمده در خصوص مؤلفه‌ها و نحوه تطبیق‌پذیری ساختار فضایی با بافت تاریخی چون بافت کهن کرمان به عنوان نتیجه ارائه گردیده است. در نهایت، سؤال اساسی تحقیق چگونگی نحوه انطباق‌پذیری مؤلفه‌های معماری در برخورد با بافت تاریخی چون بافت کهن کرمان می‌باشد؟

جدول ۱: موضوعات اساسی در برخورد با بافت کهن کرمان (منبع: نگارندگان)

ردیف	نوع حوزه مورد بررسی نظری	مسأله حفاظت	مسأله رسیدگی	مسأله تأکید
۱	موضوعات تاریخی با ارزش بافت کهن	حفظ نمودن ارزش‌های بافت	مراقبت همیشگی از ارزش‌های بافت تاریخی	تأکید بر نشانه‌ها و عناصر تاریخی با ارزش بافت تاریخی
۲	موضوعات با ارزش سرزمینی بافت کهن	حفاظت از میراث ملی و سرمایه سرزمینی ایران	توجه رسیدگی به موضوعات فرهنگی ایران	تأکید و نشر موضوعات اقتصادی مستتر آن جهت اعتلاء اقتصاد ایران
۳	موضوعات با ارزش روانی بافت کهن	حفظ کدهای هویتی و شناسنامه‌های انسانی	پاسدانت و مراقبت از مکان شهری و معماری برای انسان‌ها	تأکید بر موضوعات معنایی و مفهومی در شاکله زندگی انسانی
۴	موضوعات معماری با ارزش بافت کهن	حفظ الگوهای اصیل در برخورد با کلیه موضوعات حرفه‌ای	توجه به گونه فرمی و نگاهداشت اصول زمینه‌ای آن در جهت اقدام حرفه‌ای	تأکید بر ساختارهای فضایی و گونه تطبیقی آن به صورت حرفه‌ای

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

رویکرد نظری

زندگی اساسی انسانی در شهرها در قالب بافت‌های شهری صورت می‌گیرد. بافت دارای ویژگی‌های منحصر به فرد خود می‌باشد که به واسطه آن نوع زندگی و اتفاقات حاصل شده از آن، مختص به خود می‌باشد. شهرهای دارای پیشینه تاریخی در دوره معاصر با سه دسته بافت در قالب معماری و مدیریت شهری سروکار دارد. بافت جدید، بافت فرسوده و بافت با ارزش تاریخی که در این نگارش به عنوان بافت کهن شناخته می‌شود. این بافت دارای کدهای هویتی می‌باشد که نوع برخورد نظری و عملی بسیار خاص و محتاطانه‌ای در خصوص حفظ و نگاهداشت آن باید در نظر داشت. شهر کرمان از این نقطه نظر بسیار دارای شرایط خاصی می‌باشد. بافت کهن کرمان از جمله موضوعات و چالش‌های مدیریتی در عرصه معماری و شهرسازی شهر کرمان می‌باشد. برخورد معماری با این بافت علاوه بر بحث ایستایی و ساختار اجرایی مباحث تاریخی، هویتی، فرهنگی و ارزشی اجتماعی کرمان را نیز در بر دارد که این موضوع در خصوص نوع برخورد امروز طراحان با این گونه بافت با ارزش تاریخی مسالهای بسیار جدی و حائز اهمیت است.

همانگونه که مشخص است در بحث توسعه شهری و سیستم مدیریتی روز، رشد جمعیت به صورت غیر قابل کنترل در سطح تعریف شده به گونه‌ای که سطح وسیع روستایی کم جمعیت و سطح کم وسعت شهری پرجمعیت شده است، جمعیت شهرها چون کرمان در سال‌های اخیر بدون برنامه و چالش ساز بوده است. نیاز امروزی به عناصری کالبدی معماری و شهرسازی برای انسان‌ها و همچنین موضوعات زیرساختی چون گسترش معابر شهری، مناطق مسکونی، فرهنگی و تجاری باعث گردیده است. در برنامه‌های توسعه شهری این موارد به صورت جایگذاری در مناطق خالی از بافت یا مناطق با بافت فرسوده و تاریخی ایجاد گردد (Bemanian & Others, 2010). در این خصوص اگر برخورد با بافت فرسوده باشد چون کلیت بافت فرسوده دارای نظام بی قاعده کنونی خود است باعث می‌شود موضوعات و کاربری‌های جدید نیز به شدت تحت الشعاع قرار بگیرند و از عملکرد خوبی بهره مند نباشند. در این صورت باید کلیت

بافت فرسوده هدف قرار داده شود و تغییرات بنیادی در این خصوص ارائه گردد. این مسأله در شهرهای تاریخی چون کرمان با هزینه‌های اقتصادی فراوان و موضوعات شهری بلندمدت است. در مرحله بعدی برخورد موضوعات در بافت‌های تاریخی با ارزش است که به عنوان میراث تاریخی شهرسازی و معماری شهری چون کرمان می‌باشند. هرگون تخلخل موضوعات با این گونه بافت‌ها بدون آتیه‌اندیشی تخصصی باعث از بین رفتن همیشگی کدهای شناسایی هویتی و تاریخی سرزمین ایران و منطقه‌ای چون کرمان می‌گردد که دیگر دست یافتنی نخواهد بود (Kalantari & Others, 2005). احیای بافت فرسوده شهری کرمان و حفظ فرم ساختاری بافت تاریخی ارزشمند در چارچوب عملکردی و سازمان فضایی برای فراموش نشدن با یک دگرگونی فضایی و تغییر کاربری سازگار می‌تواند جایگاهی ویژه‌ای به خصوص برای ابنیه‌های دارای هویت با معماری دوره‌های تاریخی کرمان بیان کرد و یا به بیان دیگر برای کنترل حجم ساخت و ساز مهم‌ترین گزینه برای عدم از بین رفت بافت کهن کرمان فرصت استثنایی در میراث فرهنگی و سرزمینی در احیاء، حفاظت و مشارکت در این بخش می‌تواند راهکارهای با ارزشی به صورت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و در آخر هویت‌مندی باشد.

در طول تاریخ شهرها تحولات زیادی طی گردیده است که بر معماری، ساختار شهری، پیکربندی بافت شهری، جهت توسعه و تغییر مراکز حساس و مهم اثر گذاشته است. اگر این تغییرات بر مبنای یک الگوی مشخص باشد نشان می‌دهد شهر و کاربران آن در مسیر تکامل قرار دارند، اما گاه پس از مدتی مشخص می‌شود معماری شهری فاقد استحکام و ناخوشایند است یا پیوستگی اجتماعی کاهش یافته یا شیوه شهرسازی بر اساس الگویی تکراری است که نتیجه آن رکود اقتصادی، فرهنگی و معماری خواهد بود (Cantacuzino, 1998). با بهره‌گیری از مؤلفه‌های اساسی موجود در بافت تاریخی، می‌توان در برنامه‌ریزی میان‌مدت و بلندمدت، بافت تاریخی را به همان اصول صحیح و کارآمد اولیه بازگرداند. بافت تاریخی مؤلفه‌هایی دارد که سبب ارزشمندی آن می‌شود. باتوجه به جدول (۱) انتصاب به دوره مشخص تاریخی، رعایت الگوهای معماری سنتی و اصیل، کارآمدی در زمان احداث و گاه استمرار کارآمدی حتی تا زمان حاضر، امکان نگارش سند تاریخی بنا بر اساس مقتضیات زمان و شواهد موجود و استفاده از مصالح ساختمانی متناسب با دوره تاریخی معین باعث تمایز و برتری بناهای بافت تاریخی می‌شود. (Falconer, 2011) بافت تاریخی حتی پس از گذشت چند سده همچنان مقاوم است که نشان از توجه به موضوعات متنوع معماری را دارد.

جدول ۲. نظریات حوزه معماری و مدیریت شهری در باب بافت تاریخی (منبع: نگارندگان)

ردیف	منبع	اندیشمند	دیدگاه	کد نظریه
۱	(Araof, 2008)	برنت سی برونلین	ایجاد ارتباط بصری همگون در میان ساختمان‌ها	مؤلفه بصر
۲	(Worthington, 1998)	هنری هوپ رید	تأکید بر احیا عناصر کلاسیک گذشته در آثار جدید	کلاسیک‌گرایی
۳	(Tylor, 2006)	مریل گیش	دسته‌بندی زمینه‌گرایی در الگوهای فرمی، فعالیتی و اقلیمی	الگوگیری فرمی
۴	(Sems, 2009)	سامیون بل	تعریف سه جنبه برای زمینه که منجر به ادراک زیبایی‌شناسی آن می‌شوند	روانشناسی زیبایی
۵	(Reis, 2010)	آموس راپاپورت	نگرش فرهنگی و اجتماعی به محیط با هدف شناخت اجتماع، فرهنگ و مردم	شناخت بیشتر
۶	(Adam, 1998)	کالین رو	ایده کلاژ شهری به معنی در هم بافتن عناصر شهر در یک کل منسجم	وحدت بخشی اعضاء
۷	(Davis, 2003)	پاتریک گدس	لزوم توجه به حیات اقتصادی، جغرافیایی، زمین‌شناسی و روح و جوهره تاریخی شهر	کلیت یکپارچه

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

حاجی فتحعلی و همکاران (۱۳۹۹)، ابویسانی جغتائی و همکاران (۱۴۰۰) و باقری و ابراهیمی (۱۳۹۷)، جدیدترین تحقیقات را در زمینه موضوع این مقاله انجام داده‌اند.

الگوهای موجود در معماری بافت تاریخی باید در بستر تاریخی و فرهنگی موجود در محدوده مورد مطالعه بررسی گردند، این بستر ریشه در موضوعات طبیعی، اجتماعی و هویتی بافت دارد که می‌تواند از جمله بارزترین موارد در بحث انطباق‌پذیری مدنظر قرار گرفته باشد (Gifford, 2002). فضا و منظر در یک بافت تاریخی مجموعه‌ای از عوامل طبیعی و مصنوع است که تحت تاثیر ویژگی‌های طبیعی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آن شهر شکل گرفته و محل به وجود آمدن مشخصات خاص شهر است. موضوع منظر شهری در بافت تاریخی مقوله‌ای دو بعدی است که از یک سو به مولفه‌های محسوس و بصری فضا و از سوی دیگر به شرایط ذهنی و معنوی فضا می‌پردازد. که شامل ابعاد تاریخی، خاطره‌ای و هویتی است. ساختار فضایی بافت تاریخی مجموعه‌ای از شهر است که دارای تقسیم‌بندی‌های متفاوتی می‌باشد. این امر بیان‌گر آن است که هر مکان با توجه به جایگاهی که دارد، نه تنها باید واجد ویژگی‌های خاص خود باشد، بلکه باید توقعات سطح بالاتر خود را نیز برآورده سازد (Groat, 1992). فضا در بافت تاریخی باید دارای ویژگی‌های خاص خود باشد و توقعات سطح بالاتر خود را نیز برآورده سازد. بافت تاریخی به عنوان یک فضای شهری کیفیات زیبایی، نظم، وحدت، هویت، هماهنگی، ماندگاری، پایداری و تغییرپذیری را نیز دارا می‌باشد. طرز قرار گرفتن اجزا و عناصر در مقابل یکدیگر و ساختار و روابط قانون‌مند درونی اجزا بافت را شاکله بخشیده‌اند (Pakzad, 2010). بافت دارای کمیتی پویا و در حال تغییر است که وضع کالبدی شهر و چگونگی شکل‌گیری ساختار فضای معماری در کنار یکدیگر را گذر زمان مشخص می‌کند. با توجه به جدول (۳) بافت تاریخی شهر که کالبد را نشان می‌دهد یعنی فضاهای خالی و پر، مقدار نسبت فضاها به یکدیگر و رابطه بین فضاها را مشخص می‌کند. بافت تاریخی شهر، شبکه ارتباطات، نحوه دسترسی‌ها، خصوصیات راه‌ها و کوچه‌ها را مشخص می‌کند (Farahza, 2011). بافت تاریخی شهر می‌تواند گویای چگونگی و نحوه توزیع فضایی فعالیت‌ها باشد. بافت تاریخی شهر نحوه‌ی شکل‌گیری، مراحل رشد و توسعه‌ی شهر در طی تاریخ را منعکس می‌کند.

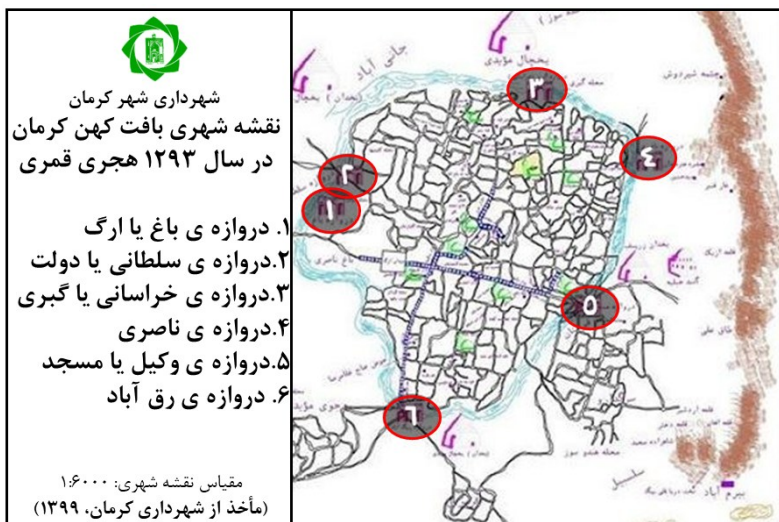
جدول ۳: الگوها و مفاهیم موجود در بافت تاریخی از نقطه نظر ساختار فضای معماری (منبع: نگارندگان)

موضوعات موجود در بافت تاریخی	توضیحات مربوطه
بستر طبیعی بافت تاریخی	توپوگرافی محدوده؛ نشانه‌های طبیعی؛ عناصر سبز؛ عناصر طبیعی؛ دیدهای ویژه
	مشخصات کالبدی و شکلی توده و فضا در گذشته
بستر انسان ساخت بافت تاریخی	اجزای شهر گذشته و نحوه ارتباط آنها
	میراث تاریخی به جامانده با تاریخچه تاریخی خاص آن مکان و نام مکان
	عناصر نشانه‌ای خاطره ساز، نقاط مکث و تأکید
	کاربری‌ها، رویدادها و فعالیت‌های فرهنگی
	کاربری‌ها، رویدادها و فعالیت‌های سیاسی
	کاربری‌ها، رویدادها و فعالیت‌های مذهبی
کاربری‌ها و فعالیت‌ها و رویدادهای فراموش شده بافت تاریخی	کاربری‌ها، رویدادها و فعالیت‌های اجتماعی
	کاربری‌ها، رویدادها و فعالیت‌های اقتصادی
	کاربری‌ها، رویدادها و فعالیت‌های رزومره
	زندگی
	کاربری‌ها، رویدادها و فعالیت‌های تفریحی

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

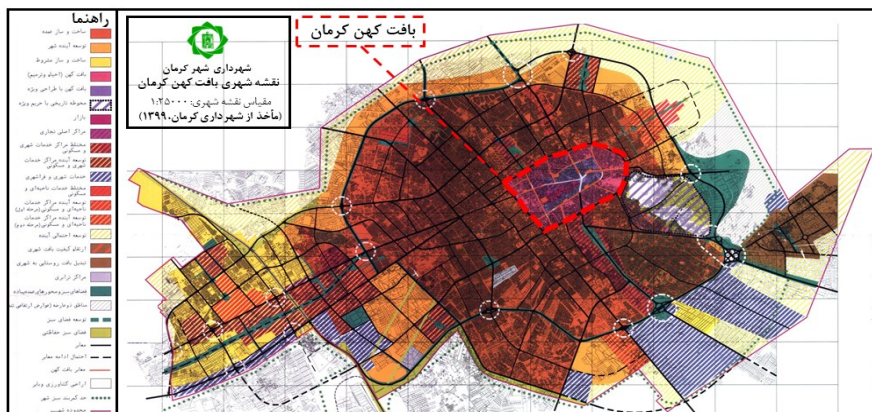
۳- معرفی منطقه مورد مطالعه

کرمان بزرگترین استان ایران است و در ناحیه‌ای کویری و کم آب قرار دارد. در کوهپایه‌ها و دره‌های سرسبز دارد و دارای تنوع آب و هوایی است. حدود ۲۲۰ پیش از میلاد، به هنگام فتح کرمان به دست اردشیر این محل گواشیر نام داشته و مرکز ولایت کرمان بوده‌است بنا به گفته هرودت کرمانیا از قبایل دوازده گانه ایران می‌باشد و ساتراپی چهاردهم مشتمل بر ایالت کرمان بوده‌است. جغرافیای اقلیمی کرمان در قسمت‌های شمالی که نزدیک کویر است، آب و هوای خشک و کویری، و در قسمت جنوبی آب و هوایی معتدل و دلپذیر دارد. متوسط ارتفاع شهر کرمان از سطح دریا معادل ۱۷۵۵ متر است. بیشتر نقاط شهر کرمان با کوه احاطه شده‌است. کرمان شب‌های زمستانی بسیار سردی دارد. کوه‌های جوپار و پلوار و جفتان در جنوب و جنوب شرق کرمان در تمام طول سال برف دارند. متوسط مقدار باران در طول سال در کرمان معادل ۱۳۵ میلی متر است. به دلیل نزدیکی کرمان به کویر لوت، این شهر در تابستان گرم و در بهار دارای طوفان‌های شن می‌باشد، ولی بطور کلی آب و هوای این شهر به نسبت خنک است. قسمت‌های شمالی و شمال شرقی شهر کرمان که در مجاورت کوه‌های صاحب الزمان قرار دارد از آب و هوای معتدل تری برخوردارند و قسمت‌های جنوبی و غربی شهر بواسطه نزدیکی به بیابان، تابستان‌های گرمتری دارد و گرد و غبار هوا نیز بیشتر است (Zarabi & Others, 2012). دشت کرمان در دامنه دو رشته کوهی که از شمال شرقی و جنوب غربی آن می‌گذرند گسترده شده است امتداد این دو رشته کوه از شمال غربی به جنوب شرقی است. این امتداد در شکل‌گیری معابر شهر کرمان کاملاً موثر بوده است. زیرا با توجه به وضعیت شیبها، طبعاً مسیرهای آب و به تبع آنها، کرت‌بندی مزارع و در مراحل بعدی تاسیس نواحی و خانه‌های مسکونی نیز در همین امتداد با جهت جنوب شرقی و شمال غربی ایجاد شده‌اند. دشت کرمان نیز در همین امتداد و شیب آن هم از جنوب شرقی به طرف شمال غربی است. ارتفاع این دشت از سطح دریا متغیر و حداکثر ۲۱۰۰ متر در نواحی جنوب شرقی و حداقل ۱۶۵۰ متر در نواحی شمال غرب است. دشت کرمان را کوه‌های جوپار از جنوب و کوه‌های دارمانو و تیز از شمال کوه‌های بید و وبادامو از مغرب و کوه‌های نامور و نصر از مشرق محدود و محاصره کرده‌اند. وجود ناهمواری‌های مشرق کرمان که در فاصله نزدیک شهر قرار گرفته‌اند باعث جلوگیری از رشد و توسعه شهر در این قسمت گردیده است. تپه‌های قلعه اردشیر و دختر محل شهرک جماران و فریزن که قدیمی‌ترین هسته‌های سکونت در شهر کرمان به عنوان مقر نظامی و سیاسی مورد استفاده بوده‌اند و با ارتفاع حدود ۱۷۷۸ متر سیمای منحصر به فردی را در ساخت مرکزی شهر کرمان به وجود آورده‌اند از بلندترین نقاط آن به شمار می‌آیند (Pourolima & others, 2019). اقلیم شهر کرمان علاوه بر عوامل محلی، عواملی مانند ارتفاعات و کویر لوت نقش عمده‌ای دارند. همه عوامل موجود باعث شده که این شهر دارای اقلیم خشک تا فرا خشک باشد.



شکل ۱: بافت کهن کرمان به عنوان شهر شش دروازه در سال ۱۲۹۳ هجری (Kermans Municipality, 2020)

با توجه به شکل (۱) شهر کرمان در قسمت بافت کهن آن مانند بسیاری از شهرهای پررونق قدیم بر سرراه‌های تجاری قرار داشت. بازار، خصیصه اقتصادی و تبادلات تجاری در شهر کرمان در دوره‌های مختلف بازار پر رونق را تدریجاً شکل داده است. عموم عناصر و فضاهای مهم شهر قدیم کرمان مانند مسجد جامع، مسجد امام ملک، مجموعه‌های فرهنگی، آموزشی تجاری و وقفی مانند مجموعه‌های گنجعلی خان، وکیل حاج آقا علی و بعضی فضاهای حکومتی با ارتباطی بسیار نزدیک در مجموعه بازار جای داشته‌اند (Najafi & others, 2020). بازار اصلی و بزرگ شهر در مرکز شهر قرار دارد و جهت آن شرقی غربی می‌باشد. این بازار به خط مستقیمی است که در دو سوی آن دو دروازه ورودی و خروجی شهر یعنی دروازه ارگ و دروازه مسجد قرار داشت. طبق شکل (۲) طول بافت کهن کرمان حدود ۳ کیلومتر است و شهر را دقیقاً به دو بخش تقسیم می‌نماید. محلات مسکونی در شهرهای ایرانی، حوزه‌های اجتماعی مختلفی بوده‌اند تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آنها را به صورتی مشخص از همدیگر جدا می‌کرده است. وجود بیش از سی محله در شهر کرمان، از قدمت و سابقه کهن این شهر کویری حکایت می‌کند که نام برخی از آنها عبارتند از محله شهر، محله شاه عادل، محل قبه سبز و محله مسجد ملک.

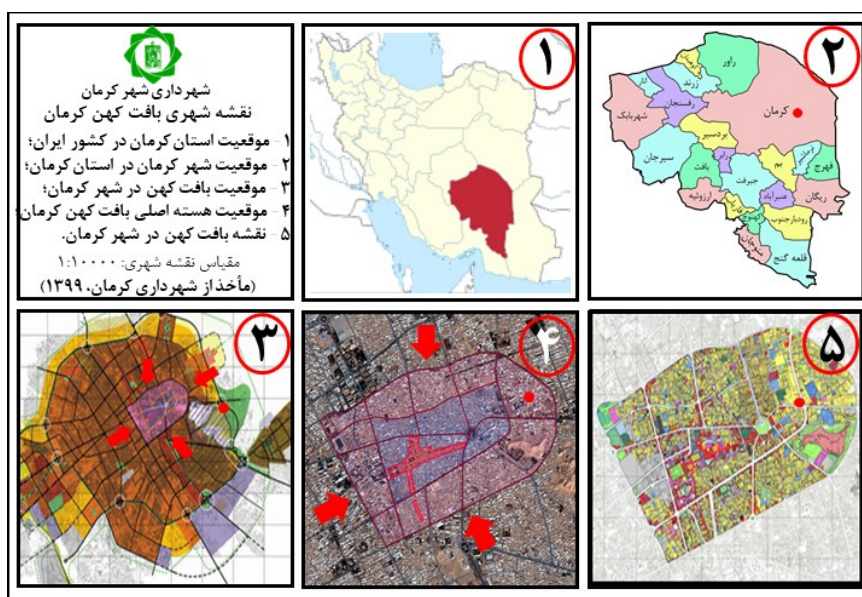


شکل ۲: بافت کهن کرمان در نقشه جامع شهری کرمان در سال

۱۳۹۵ (Kermans Municipality, 2020)

نمونه مورد بررسی: ویژگی‌های معماری ارزشمند بافت کهن کرمان

بافت تاریخی کرمان دارای پتانسیل‌های معماری و شهرسازی است که شناخت آنها در این پژوهش موجبات هم‌افزایی مؤلفه‌های دقیق معماری جهت انطباق‌پذیری می‌باشد. آنچه که اکنون بافت تاریخی شهر کرمان نامیده می‌شود، زمانی به عنوان یک کلیت شهری از حیاتی کامل و کارآمد برخوردار بوده است که تکامل و کارآمدی آن محصول تعامل انسان و محیط زندگی طبیعی بوده است. این موضوع در طول قرن‌ها و به واسطه‌اندیشه عمیق یا آزمون و خطاهایی مکرر به تعادل رسیده است (Ghadiri, 2007). بافت کالبدی تاریخی کرمان به صورت ارگانیک توسعه یافته است و روابط بین فضاها و عناصر معماری و شهری رابطه‌ای سازمان یافته و منظم دارند. نحوه شکل‌گیری فضاها و عناصر شهری در کنار یکدیگر تحت تأثیر الگوهای رفتاری و فرهنگ مردمی بافت تاریخی کرمان شکل گرفته است. این موضوع هماهنگ با نیازهای مادی و معنوی جامعه تاریخی کرمان و رشد تدریجی می‌باشد. بافت کالبدی معماری کرمان دارای هندسه‌ای نرم، طبیعی و آزاد است و هرگز از اشکال و ابعاد تکراری، هم‌شکل و یکنواخت در ساختار کالبدی معماری آن استفاده نشده است (Khademi & Alipour, 2011). آنچه که بافت تاریخی کرمان را هماهنگ و دارای وحدت نموده است یکسان بودن روحیه کلی حاکم بر ساخت فضایی معماری و الگوهای فرهنگی و فنی حاکم بر معماری آن است.



شکل ۳: بافت تاریخی کرمان که با عنوان بافت کهن در این نگارش شناخته می‌شود

(Kermans Municipality, 2020).

با توجه به شکل (۳) بافت تاریخی کرمان که با عنوان کهن شناخته می‌شود شامل بازار اصلی و مجموعه‌های معماری و شهرسازی است که به آن وابسته هستند. به علت تراکم آثار معماری با ارزش این منطقه دارای اهمیت‌ترین نمونه‌های معماری تاریخی در کرمان می‌باشد. مناطق مسکونی و دیگر کاربری‌های گذشته کرمان نیز حول قسمت مرکزی و اصلی بافت تاریخی پخش شده‌اند. بافت تاریخی کرمان به صورت ارگانیک در پیوند با منابع

و محیط طبیعی، اجتماعات و اقتصاد با مشارکت مردمی شکل گرفته، توسعه یافته و بدون طراحی و در طول زمان تکوین یافته است (Shah Teymouri, 2012). هندسه کالبدی فضایی بافت تاریخی کرمان حاکی از روند طبیعی و تدریجی است. یکی از ویژگیهای مهم بافت تاریخی کرمان تقسیم آن به تعدادی محله است زیرا شهر تاریخی کرمان به مثابه یک کل مرکب از اجزایی به صورت محله بوده است. بافت تاریخی شهر کرمان مجموعه‌ای متشکل از محله‌های متجانس و همگن که براساس روابط، مناسبات، شکل و وابستگی‌های قومی مذهبی، حرفه‌ای یا سرزمینی در مکانی مشخص مجتمع شده‌اند و هویت و اصالت خود را سال‌ها به همین صورت نگاه داشته‌اند و تا قبل از توسعه جدید شهری به عنوان واحد اصلی سکونتگاه شهری به شمار می‌رفته است (Sotoude, 2013).

یافته‌های تحقیق

بافت کهن کرمان از نظر زمین‌شناسی در شرایط سختی پدید آمده و همبستگی ساکنان برای مواجهه با این شرایط سخت و به کار بردن اصول اقلیمی و اقتصادی این سرزمین، منظومه ارگانیکی خاص در شکل و گسترش همساز با این منظومه را بصورتی برخوردار از قدرت اقتصادی و اجتماعی و پایدار شکل داده است. روند رو به گسترش شهر بدون توجه به ذخیره‌ها و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی و کالبدی بافت کهن کرمان همزمان با تحولاتی که به منظور تأمین نیاز این گسترش در بافت کهن کرمان رخ داده است، به مرور بافت کهن کرمان را در مسیر رو به زوال و محو این ثروت فرهنگی و اجتماعی رهنمون می‌شود. در بررسی بافت کهن کرمان، کارآمدترین رویکرد، انطباق‌پذیری در زمان حال و استفاده از مواهب طراحی گذشته در ادغام نیازهای روز است که به توسعه همه جانبه می‌پردازد. باید جمعیت به داخل بافت کشیده شود و تعاملات اجتماعی ساکنان با بافت تاریخی افزایش یابد. در نتیجه ساختار بافت تاریخی کرمان بر ادراک مردم تاثیر گذاشته به درک فضای با ارزش تاریخی کمک می‌کند که این یکی از اهداف اساسی شهری جهت مداخله در بافت تاریخی است.

طبق بررسی‌های انجام شده در تحلیل بافت کهن کرمان در این نگارش طبق جدول (۴) موارد معماری و شهرسازی با اهمیت کنونی به صورت قوت و ضعف شناخته شده است که باید در بحث انطباق‌پذیری مؤلفه‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار بگیرند.

جدول ۴: پتانسیل‌های شناخته شده پژوهش در بافت کهن کرمان از نقطه نظر ساختار فضای معماری (منبع نگارندگان)

موضوع	شرحی بر پتانسیل در طراحی بافت تاریخی شهر کرمان	مؤلفه مشخص شده
قوت	وجود عناصر، بناها و آثار تاریخی ارزشمند	نمادهای تاریخی
	وجود مجموعه‌ها و فضاهای شهری با خصوصیات تاریخی	ویژگی‌های تاریخی
	وجود محورها و معابر و فضاهای شهری با زندگی روزمره	معبربندی مقیاس انسانی
	سازگاری الگوهای کالبدی-فضایی بافت یا شرایط منطقه اقلیمی	سازگاری اقلیمی
ضعف	فرسودگی کالبدی و کارکردی عناصر به وجود آورنده بافت تاریخی	فرسودگی گذر زمان
	دسترسی محدود به دلیل ابعاد و تناسب ساختار کالبدی فضایی بافت تاریخی	تناسبات هندسی به خصوص
	وجود زمینه جدایی و انفکاک بافت قدیم از بافت شهری حاشیه	عدم ارتباط بافت کهن و جدید
	عدم هماهنگی بصری ساخت و سازهای جدید با بناهای تاریخی	عدم ارتباط معماری دیروز و امروز
	محدود بودن کانون‌ها و مراکز اقامتی و پذیرایی در بافت تاریخی	عدم تخصیص کاربری‌های مورد نیاز

تراکم بالای فعالیت‌های تجاری و خدماتی و فشار مضاعف آن بر بناها	تغییر کاربری‌های مدیریت نشده
عدم بهره‌مندی از امکانات مناسب شهری	نبود سیستم خدماتی شهری
محدود شدن واگذاری زمین در شهر و افزایش جاذبه تملک املاک	ارزش پایین ملکی
فرصت امکان جذب جهانگرد و گردشگر به دلیل وجود عناصر تاریخی و ارزشمند تاریخی	پیش‌بینی صنعت توریسم
افزایش توجه به بافت قدیم شهرها در محافل علمی و فرهنگی بافت تاریخی	افزایش دانش حرفه‌ای
برنامه‌ریزی شهری نامناسب در توسعه شهر	تخصیص نیاقتن عملیات توسعه آتی
عدم وجود الگوهای مناسب برای بازسازی	عدم توجه به هویت معماری
تهدید نبود الگوهای مناسب برای بازسازی، نوسازی و مدیریت بافت قدیم	نبود فرآیند برخوردی متناسب
نبود الگوهای مناسب برای حمایت از ساخت و ساز	عدم طرح‌ریزی توسعه ساخت
عدم هماهنگی سازمان‌ها در ارائه خدمات شهری به بافت قدیم	تبدیل شدن به بافت فرسوده برنامه‌ریزی شده

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

بافت کهن کرمان در بررسی‌های میدانی ثابت نموده است که از جهت اقتصادی دارای امکانات بالقوه‌ای اعم از زیرساختی و روساختی است، از جهت فرهنگی یادگاری از فرهنگ و تاریخ پیشین است، از جهت اجتماعی بخشی از جامعه و ضامن تداوم زندگی انسان‌ها می‌باشد و از جهت کالبدی دارای ارزش‌های معماری و شهرسازی خاص خود است. جهت به دست آوردن اطلاعات تخصصی و دسته‌بندی شده استفاده از متدهای علمی برخورد با بافت تاریخی در این خصوص باید صورت بگیرد. نوع مداخله در بافت تاریخی طبق نظریه‌های موجود میدانی می‌تواند به صورت شیوه برخوردی باززنده‌سازی، شیوه برخورد مرمت شهری و شیوه برخورد حفاظت محور باشد. با برخورد به صورت علمی می‌توان اطلاعات لازم را برداشت نمود. بافت کهن کرمان که دارای کدهای تاریخی و بسترشناسی زمانی و مکانی خود است، هیچگونه خط مشی استاندارد برای انطباق‌پذیری حتمی گذشته و امروز را ندارد. علت این امر رهیافتهای مربوطه بر پایه مشخصه‌های بومی خاص بافت تاریخی شهر کرمان است که به زمان و ویژگی‌های آن وابسته است. دستیابی به اطلاعات کامل و موفق بافت کهن کرمان، به شناخت و بهره‌گیری از موقعیتهای موجود در محدوده مورد مطالعه بافت نیاز دارد. بنابراین برای به دست آوردن مؤلفه‌های اساسی، یک چارچوب مناسب و منعطف برای تحقق روند انجام عملیات‌های میدانی با هدف انطباق‌پذیری ساختاری در همه موضوعات معماری و ساختار فضایی بافت با دوره کنونی و حتی آینده است. روند، با شناخت و درک ابعاد خاص معماری، شهرسازی، اقلیم، فرهنگ و موضوعات وابسته، آغاز می‌شود. بر این اساس طبق جدول (۵) با مصاحبه‌های میدانی حول موضوع بافت کهن کرمان با جامعه آماری متخصصین معماری و شهرسازی مرتبط با بافت و همچنین ساکنین و افراد وابسته به حیات بافت طبق عملیات علمی تحقیق مؤلفه‌هایی چون امنیت، اصول انسانی، وجود کاربری‌های متنوع و خوانایی فضایی استخراج علمی گردیده است. روش اساسی علمی انجام مصاحبه علمی براساس روش آماری گلوله برفی به صورت زنجیروار در استخراج داده‌ها می‌باشد.

جدول ۵: داده‌های اساسی به دست آمده از عملیات میدانی مصاحبه علمی طبق روش تحقیق علمی پژوهش منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

مؤلفه معرفی شده	درصد تکرار - اولویت	مؤلفه معرفی شده	درصد تکرار - اولویت	مؤلفه معرفی شده	درصد تکرار - اولویت
قلمروگرایی	۲۴ - ۴۰,۵	نظارت و مراقبت	۸ - ۸۳,۸	مؤلفه معرفی شده	درصد تکرار - اولویت
تنوع کاربری	۱۲ - ۶۷,۵	تعمیر و نگهداری	۱۰ - ۷۲,۹	کنترل دسترسی	۱۳ - ۶۴,۸
کاربری شبانه	۳۰ - ۲۱,۶	فعالیت‌های حمایت کننده	۲۵ - ۳۷,۸	کنترل جرم	۵ - ۹۱,۸
مبلمان در بافت	۱۸ - ۵۶,۷	گذاشتن نشانه	۲ - ۹۴,۵	کیفیت بصری	۳ - ۹۱,۸
				خوانایی محیط بافت	۹ - ۷۸,۳

دانه‌بندی متناسب	۲۶ - ۳۵,۱	ارتفاع متناسب بناها	۲۳ - ۴۳,۲	نبود فضای دور از چشم	۲۸ - ۲۹,۷
پوشش معابر	۱۴ - ۶۲,۱	استاندارد طراحی	۴ - ۹۱,۸	حضور معلولین	۱ - ۹۷,۲
پوشش گیاهی	۶ - ۸۹,۱	فضای تفریح	۱۷ - ۵۶,۷	نظافت و بهداشت	۱۱ - ۷۰,۲
تابلوه‌های راهنما	۲۱ - ۴۵,۹	عناصر تاریخی	۷ - ۸۶,۴	مرتبط با نقاط شهری تجاری	۲۷ - ۳۲,۴
قرار دادن فضای فرهنگی	۲۹ - ۲۴,۳	حضور کاربری اقتصادی	۳۲ - ۱۶,۲	تدابیر جوان گرایی	۲۰ - ۴۸,۶
مقیاس انسانی	۲۲ - ۴۵,۹	جلوگیری از ازدحام	۳۳ - ۱۰,۸	نورپردازی مناسب	۱۵ - ۵۹,۴
غلبه پیاده بر سواره	۱۹ - ۵۱,۳	فضای ورزشی	۳۴ - ۸,۱	تناسبات بصری	۱۶ - ۵۶,۷
درون گرایی بافت	۳۱ - ۱۸,۹	جمع موارد: ۶۹۷ از ۱۰۰٪ جامعه		اولویت بندی ۱ الی ۳۴	

در بررسی میدانی بافت کهن کرمان شرایطهای متفاوت برداشت گردیده و مختص هر مکان شناسایی شده باید بهره برداری نظری و عملی کرد. حس مکان و ویژگی نهفته در بافت کهن کرمان منبعی کمیاب به شمار می‌آید که باید با مدیریت چه در حفظ و چه در بهره‌برداری آن کوشید. باتوجه به مؤلفه‌های ارائه شده در عملیات‌های میدانی مشاهداتی، حس مکان برای حفاظت مؤثر طراحی ضروری است. جهت پیگیری راهبرد خط مشی شناخت مؤلفه‌ها و انطباق‌پذیری آنها، دست اندرکاران برنامه‌ریزی شهری باید از آنچه حفظ می‌شود، شناخت کاملی داشته باشند. باید بناهای موجود در هر محدوده بافت طبقه‌بندی شوند؛ نقاط مخاطره آمیز شناسایی و پیش بینی گردند. ساختمان غیرضروری تشخیص داده شود، معیارهایی دقیق را برای توسعه مجدد در نظر گرفته شود و می‌توان به عنوان کاربری‌های جایگزین جدید در نظر گرفت. بناهای مورد نظر از طریق تجزیه و تحلیل و عکسبرداری باید پرونده سازی معماری گردند. حس مکان نهفته در بافت، دربردارنده ابعاد کارکردی است زیرا فعالیت‌هایی که در بناها صورت می‌گیرد، در ارتقای خصلت فردی و محیطی بافت کهن کرمان نقش دارند. شناخت امتیازها و منابع موجود در هر محدوده و تشخیص نقشی مناسب برای موضوع تحت تحقیق در بافت، ضروریات اصلی انطباق‌پذیری موفق است. باید به درستی تشخیص داد در چه فضاهایی نیازهای بالقوه نهفته است و چه کاربریهایی برای بافت کهن مناسب است. بافت کهن کرمان نیاز به ایجاد شالوده اقتصادی متنوع و نیز برقراری تعادل میان نیازها و خواسته‌های متفاوت در عرصه طراحی دارد. این ویژگی از طریق طراحی، تغییر کاربری و ارائه مستمر کاربری‌های ترکیب شده به دست می‌آید. بافت کهن کرمان معمولاً حکم مناطق کارکردی خودگردان را دارد. به این ترتیب نمی‌توان آن را تنها از بعد ریخت شناسانه مرزبندی کرد. بخشی یک‌پارچه از درهم تنیدگی کارکردی محدوده مرکزی به شمار می‌آید که بیشتر رابطه‌ای مبتنی بر همزیستی با کل شهر کرمان به ویژه با محدوده مرکزی را دارد و باید در متن و بافت کلی شهر مدنظر قرار گیرد.

جهت سنجش متغیر تطبیق‌پذیری بافت کهن شهر کرمان در خصوص ویژگی‌های فضایی عملیات میدانی پرسشنامه براساس اصول تحقیق اتخاذ شده انجام گرفته است. به منظور سنجش پایایی ابزار بر اساس روش هم‌مانگی درونی گویه‌ها و محاسبه ضریب آلفا، گویه‌ها در اختیار ۴۰ نمونه متخصص معماری، شهرسازی، میراث فرهنگی و عمران از جامعه آماری مورد مطالعه و همچنین براساس ضریب گلوله برفی با ساکنان در تماس با بافت کهن قرار گرفته است. طبق جدول (۶) امتیاز هر فرد انتخاب شده به عنوان نمونه برای هر یک از گویه‌ها و همچنین جمع امتیاز هر فرد پاسخگو براساس نوع سؤال و گزینه علامت زده شده گزارش شده است. در راستای پایایی و روایی ابزار جمع

۶۰۰ فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال دوازدهم، شماره اول، زمستان ۱۴۰۰

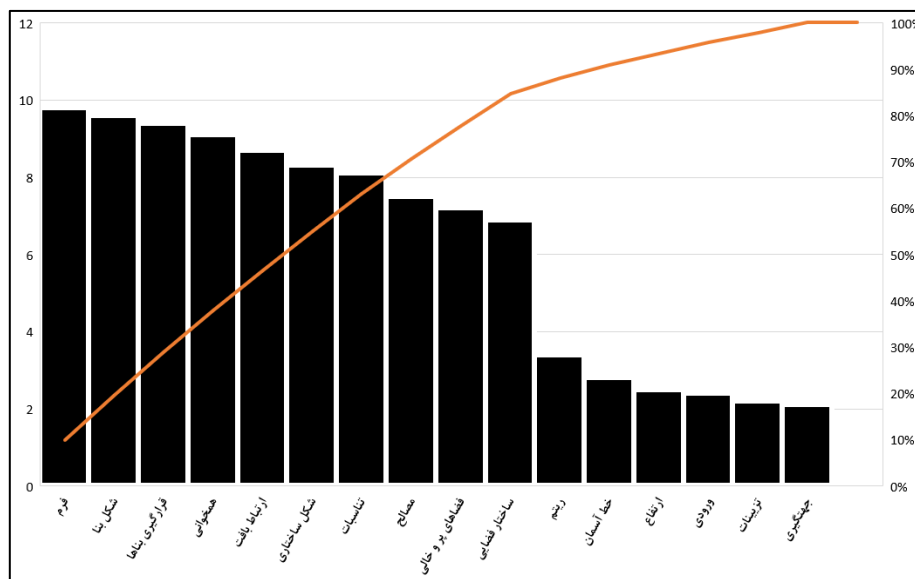
آوری داده‌ها از آمار آلفای کروناخ (0.987) و روش اعتبار محتوا از قضاوت متخصصین استفاده شده است و سپس در عملیات آماری تعیین، دسته‌بندی و تحلیل نهایی جهت ارائه شده است.

جدول ۶: داده‌های نهایی در خصوص مؤلفه‌های معماری در تطبیق‌پذیری بافت کهن کرمان در عملیات میدانی پرسشنامه علمی متخصصین و ساکنین طبق روش

تحقیق علمی پژوهش منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

شرح تطبیق‌پذیری معماری در بافت کهن	کد انطباق‌پذیری معماری	درصد اهمیت بررسی	تشریح مؤلفه تحت بررسی	مؤلفه استدلال شده	برخورد گویه
فرم‌های هندسی کامل شناخته شده در بافت کهن کرمان	فرم	۹۸٪	فرم‌های هندسی	فرم بناهای معماری	مثبت
به کار بردن اندازه‌ها و ابعاد مرتبط با مقیاس انسانی	تناسبات	۸۱٪	اندازه‌ها و ابعاد مرتبط با مقیاس	تناسبات در عناصر و بناهای معماری	مثبت
فضابندی‌ها دارای نظم و طرح قبلی باشد	ساختار فضایی	۶۹٪	نظم و طرح قبلی	ساختار فضایی منظم و هندسی	مثبت
تصویر نهایی ساختار بناهای معماری در ذهنیت مخاطبان از معماری باید پیروی شده از اصول زیبایی‌شناسی باشد	شکل ساختاری بنا معماری	۹۶٪	معماری و اصول زیبایی‌شناسی	کلیت زیبایی شکل ساختاری معماری	مثبت
تصویر نهایی ساختار بناهای معماری در ذهنیت مخاطبان از شهرسازی باید پیروی شده از اصول زیبایی‌شناسی باشد	شکل ساختاری شهرسازی	۹۶٪	شهرسازی و اصول زیبایی‌شناسی	کلیت زیبایی شکل ساختاری شهرسازی	مثبت
تطابق مصالح با بافت کهن از جمله جنس و رنگ و فرم مصالح	مصالح	۸۳٪	اصول زیبایی‌شناسی و ایستایی	نوع و گونه مصالح	مثبت
نماهای ساختمانی همچون بافت قدیم کرمان دارای هارمونی و هماهنگی باشد که در نهایت ریتمی دقیق را به همراه داشته باشد.	ریتم	۷۵٪	جنس و رنگ و فرم	وجود ریتم در نماهای معماری ساختمان‌ها	مثبت
مقیاس ارتفاعی بناها در ایجاد بافت دارای تناسبات دید و منظر مناسب باشد و باعث از بین رفتن دید انسانی صحیح نشود	ارتفاع	۳۴٪	هارمونی و هماهنگی	مقیاس در بحث ارتفاع بناها	مثبت
خط آسمان به وجود آمده دارای هماهنگی و توازن باشد و ساختاری یکپارچه را با تغییرات کمی به همراه داشته باشد.	خط آسمان	۲۵٪	تناسبات دید و منظر	خط آسمان متوازن و هماهنگ	مثبت
دسترسی‌های ورودی و خروجی با بافت کنترل شده و خوانا باشد و مخاطبان را راهنمایی نماید و دعوت کننده باشد.	ورودی	۲۸٪	هماهنگی، توازن و ساختاری یکپارچه	قرارگرفتن ورودی تعریف شده و قابل کنترل	مثبت
از نقطه نظرات طراحی دارای ارتباط چه به صورت دسترسی و چه به صورت هماهنگی کالبدی معماری با دیگر بافت‌های در ارتباط خود باشد.	ارتباط بافت	۲۴٪	کنترل شده و خوانا	ارتباطات حرکتی و فضایی بافت	مثبت
براساس طرح قبلی و از روی هندسه تعریف شده دقیق براساس فضاهای اجتماعی، فضای پیاده روی، فضاخای دسترسی و فضاخای استاندارد دیگر باشد که بناها در بین این موارد به صورت منظم و با طرح قبلی تعیین تکلیف گردند.	قرارگیری بناها	۸۷٪	دسترسی و هماهنگی کالبدی	قرارگیری هندسی و منظم بناهای معماری	مثبت
هندسه طراحی فرمی و شکلی بناهای معماری در بافت علاوه بر هماهنگی باید دارای تنوع و انعطاف باشد و در دید مخاطبان تکرار را ایجاد نماید و صحبت از اتفاق تکراری برای مخاطبان و ساکنان داشته باشد.	فضاهای پر و خالی	۹۴٪	هندسه صورت منظم و با طرح قبلی	حضور فضاهای پرو خالی حساب شده	مثبت
کلیت بافت در تطابق با بافت گذشته باشد که بتواند مباحث هویت معماری و شهری و در نهایت هویت تاریخی را معرفی نماید.	همخوانی	۷۲٪	تنوع و انعطاف	حضور هارمونی در کلیت عناصر و بناها در بافت	مثبت
استفاده از تزیینات معماری در کلیت حجم و فرم بناهای معماری	تزیینات	۹۱٪	مباحث هویت معماری و شهری	حضور تزیینات معماری در فرم معماری	مثبت
قرارگیری بناهای معماری طبق اسلوب اقلیمی و ایجاد فضاهای مثبت و منفی بافت	جهت‌گیری	۲۲٪	کلیت حجم و فرم بنا	جهت‌گیری فرمی	مثبت

تأثیر و تأثرات مؤلفه‌های ساختار فضایی... ۶۰۱



تصویر ۱: میزان درصد پتانسیل طراحی معماری در انطباق‌پذیری بافت کهن کرمان طبق داده‌های آماری و تحلیلی منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

مجموعه ترکیبی از اقدامات و فعالیت‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی به منظور انطباق‌پذیری مؤلفه‌های معماری بافت با شرایط روز انجام باید بگیرد. این موضوع جهت خلق مجدد احساس زندگی در بافت کهن با تأکید و توجه به نظم موجود عناصر و سازمان فضایی برای بهبود کالبد و تغییر عملکرد فضا متناسب با نیازهای معاصر در جهت توسعه اقتصادی و کالبدی مجموعه است. در تقویت ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی بافت و تجربیات امر انطباق‌پذیری فضایی میتوان دریافت که توجه همزمان به عوامل مؤثر و عدم تمرکز بر یک جنبه صرف، از مهم‌ترین عوامل موفقیت انطباق‌پذیری فضایی است. توجه به سه عامل خاص، برخی از راهبردها را از دیگر موارد متمایز می‌سازد که شامل توجه به ساکنان، نیازهای آنها و حضور در بافت کهن هنگام شناخت و تهیه طرح آن؛ ایجاد سیستم مدیریتی خاص برای محدوده بافت؛ تعیین حوزه‌های مداخله در بافت؛ عملیات‌های موضعی و پروژه‌های عملی برای جذب سرمایه و فعال‌کردن محدوده بافت. در تعیین طرح انطباق‌پذیری فضایی بافت و باززنده سازی آن، تلاش ویژه‌ای برای تدوین یک چارچوب تحلیلی واقع بینانه و عملیاتی در شرایط شهری بافت باید صورت بگیرد که خود از نقاط قوت بررسی برخوردار باشد. با بهره‌گیری از چارچوب تحلیلی، راهبردهای انطباق‌پذیری یافت شده تحت نام مؤلفه‌ها در عملیات میدانی و پژوهشی که از ویژگی‌های آن توجه به ارتباط راهبردها با یکدیگر است باید مورد استفاده قرار بگیرند. با این فرآیند، تعیین حوزه مداخله امکان پذیر است. این موضوع مؤید طرح انطباق‌پذیری و باززنده سازی بافت کهن کرمان است که از مؤلفه‌هایی چون تنوع و احیاء کارکردی، انطباق مکان و زمان در تعیین عملکرد جدید، اولویت‌بندی حوزه‌های مداخله، تقویت کیفیت بصری، تقویت هویت اجتماعی، ارتقای سیستم زندگی و ایجاد مدیریت یکپارچه بافت کهن کرمان خواهد بود.

احساس تعلق و عضویت افراد در بافت کهن و احساس تاثیرگذاری و نفوذ آنها بر محیط اجتماعی بافت که در آن زندگی می‌کنند، میزان رضایت و وابستگی به بافت کهن را نمایش می‌دهد. در واقع با افزایش احساس تعلق به بافت کهن کرمان به واسطه مؤلفه‌های انطباق‌پذیری معماری در افراد ساکن در بافت و به دنبال آن احساس وابستگی به

بافت، با به کارگیری مؤلفه‌ها در این خصوص توفیق چشمگیری همراه خواهد شد و سطح کیفیت ویژگی‌های فضایی بافت را تقویت و بهبود می‌دهد. باتوجه به نظر متخصصین در برخورد با بافت کهن کرمان در عملیات میدانی پژوهش، از نظر هندسه معابر، نحوه قرارگیری ساختمان در کنار معابر، تعداد طبقات ساختمانی، ارتباط ورودی با معبر و مقیاس ساخت و ساز؛ دارای ویژگی‌های خاص مربوط به خود می‌باشد. به علت توسعه قابل توجهی که طی قرن اخیر روی داده است به صورت جزء کوچکی از ساختار کالبدی شهر درآمد که تا پیش از قرن فعلی هجری شمسی کلیت کالبدی شهر محسوب می‌شده و همه عناصر شهری آن دوران یعنی بازار، مراکز حکومتی، مسجد جامع، مساجد و مدارس دینی، بناهای مسکونی، باغ‌ها و سایر عناصر لازمه شهرهای قدیمی را دارا بوده است. عناصر ارزشمند معماری، از طرفی به دلیل داشتن نقش در شکل‌گیری هویت تاریخی و فرهنگی کرمان هرگز قابل جایگزین کردن یا تغییر دادن نیستند و از طرف دیگر، چون این عناصر همواره به مثابه نقاط عطف در روند شکل‌گیری و توسعه ساختار کالبدی و فضایی بافت کرمان عمل می‌کردند و عمدتاً در مجاورت محورهای اصلی تردد و میدان‌های اصلی استقرار یافته‌اند، هرگونه مداخله بدون برنامه‌ریزی، بافت کرمان را با مشکلات اساسی مواجه می‌نماید. بر همین اساس نقش انطباق‌پذیری در راهبردهای موضوع از اهمیت بالایی برخوردار است که حفظ بافت کهن را به همراه خواهد داشت.

راهبردهای نهایی پژوهش در برخورد با بافت کهن کرمان

معماری و بافت آن دو ساختار نظام مند در کنار یکدیگر هستند که علاوه بر موضوع عملکردی خود، بحث زیبایی‌شناسی را نیز درگیر بر این موضوع می‌کند. در بافت کهن کرمان باید توجه به مفاهیم و مضامین نهفته در آن داشت. با حساسیت نسبت به موضوعات تاریخی درگیر در بافت در زمان فعلی و آینده باید مناسبات فضایی معماری را سنجش نمود و به کار بست. لزوم حس پیوستگی در تمامی ارکان طراحی و موجود در بافت باید رعایت و توسط مخاطبان مکان معماری احساس گردد. در ایجاد هرگونه تغییری در بافت کهن باید یکپارچگی اساسی آن مدنظر قرار گرفته شود. به این واسطه کیفیت‌های تناسب و مقیاس، بافت معماری، رنگ و جزییات کاربردی محدودیتی نخواهند داشت. بنای معماری که بتواند دارای نوآوری و خلاقیت باشد و کمترین آسیب بصری را به بافت کهن کرمان بزند دارای با ارزش‌ترین مبنا در توجه به این موضوع است.

بیان صحیحی از ابنیه بافت که یکپارچگی و صداقت در سادگی طراحی با توجه به نیازهای موجود در بافت است بسیار حائز اهمیت است. با توجه به جدول (۷) هماهنگی درون بافت با ابنیه و عناصر معماری و ارتباط این موارد با بافت کلی شهری کرمان نیازی اساس در بحث مورد برخورد است.

باز گشت به معماری بومی گذشته به صورت تقلید سبک و استفاده از مصالح بومی به دلیلی انطباق صددرصدی با گذشته اشتباه ساختاری خواهد بود و در این خصوص باید با نوآوری‌های روز به سامان دادن مقیاس‌ها و تناسب بافت تأکید نمود.

تأثیر و تأثرات مؤلفه‌های ساختار فضایی... ۶۰۳

جدول ۷: راهبرد نهایی پژوهش در بحث انطباق‌پذیری بافت کهن کرمان در ساختار فضایی و معماری شهری در جهت حفظ بافت منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

تعریف عملیاتی شده	راهبرد در برخورد با بافت کهن کرمان
انطباق مکان و زمان در بناهای بافت کهن کرمان	انطباق مکان و زمان در تعیین عملکرد جدید
حضور شکل و عملکرد معاصر در بافت کهن کرمان	
ایجاد فضای شهری همراه با سازگاری	
احیای سازمان فضایی بافت کهن کرمان	
معاصرسازی کارکرد شهری	
تکیه بر بعد زیبایی‌شناسی و گردشگری	بازسازی کارکردی
ایجاد فعالیت‌های جدید به وسیله تغییر مکان عملکردهای موجود	
استفاده از زمین‌های بایر و مخروبه	
عدم جدایی کارکردهای شهری	اختلاط کاربری
کاربری سازگار با مکان کهن کرمان	
استفاده از کاربری‌های موزه‌ای و عملکردی	
تعادل بین بخش قدیم و جدید بافت کهن کرمان	تعادل بین محدوده تاریخی با بافت تاریخی
توسعه آتی شهر بر مبنای الگوی چند هسته‌ای	
پیروی از نظم موجود عناصر سازمان فضایی	
ارتباط بنای تاریخی با فضای اطراف	
تعادل بخشی جمعیت و فعالیت‌های خدماتی در بافت کهن کرمان	
پیوستگی طرح‌های بافت با مجموعه کهن کرمان و طرح‌های منطقه‌ای	اولویت‌بندی حوزه‌های مداخله
برخورد موضعی با مرمت و باززنده سازی بافت کهن کرمان	
اولویت‌بندی طرح‌های باززنده سازی بافت کهن کرمان	
تمرکز بیشتر بر مرکز محله و بافت مسکونی کهن کرمان	
حق مداخله در بنا، بافت و مجموعه شهری مشروط بر مدارک لازم.	
تقویت هویت کالبدی بافت کهن کرمان	خوانا کردن محدوده بافت تاریخی
تعیین ویژگی‌های خاص کهن کرمان	
شناخت امکانات نهفته در بافت کهن کرمان	
نقش شایسته و مناسب محله کهن کرمان	
تعیین هویت شناسنامه‌ای بناهای بافت کهن کرمان	
محافظت و مدیریت حس مکان بافت کهن کرمان	تقویت کیفیت بصری
استفاده گسترده از معماری و شهرسازی بومی	
بهبود سیمای شهری بافت کهن کرمان	
ترکیب بناهای با ارزش تاریخی و امروزی	تقویت کیفیت عرصه‌های همگانی
ساماندهی مرکز محله کهن کرمان	
تبدیل فضاهای بی مصرف به فضای باز عمومی	
ایجاد فضای شهری با قابلیت سازگاری آینده	تقویت نفوذپذیری و سهولت دسترسی
سلسله مراتب گذرها و انطباق کارکردهای خاص در هر یک از آنها	
سهولت دسترسی ساکنین به خدمات توزیع شده در محدوده بافت کهن کرمان	
افزایش جذابیت محدوده تاریخی در هماهنگی با شهرسازی شهر	
حفظ بناهای آسیب دیده از عوامل طبیعی و انسانی	
پیشگیری تخریب	ایجاد امنیت
تقویت سازه	
حفظ تعادل پایدار بین حفاظت از میراث فرهنگی و رشد کالبدی بافت کهن کرمان	تقویت اینه اقتصادی
تغییر عملکرد بناهای تاریخی متناسب با نیاز گردشگری	
افزایش درآمد از طریق جذب گردشگر	
تکیه بر بعد زیبایی‌شناسی، اقتصاد و گردشگری	تنوع بخشی کارکردی
پشتیبانی از شالوده اقتصادی موجود به وسیله کاربری‌ها و عملکردهای جدید	

پشتیبانی اقتصادی بخش‌های جدید از امکانات اقتصادی بخش قدیم	
احیاء فعالیت‌های اقتصادی جدید مرتبط با بافت کهن کرمان	
ایجاد انگیزه‌های جدید اقتصادی	
شناخت و ترغیب کاربری‌های موجود به کارآمدتر و سودمندتر شدن	
ساماندهی فعالیت‌های تجاری	
تقویت ابنیه اقتصادی محدوده در ارتباط با نقش ویژه در بافت کهن کرمان	بازگشت کارکردی
بهبود وضعیت اقتصادی از طریق ساماندهی واحدهای تجاری	
جلوگیری از توقیف حرفه‌های جاری در بافت کهن کرمان	
ایجاد تسهیلات مالی از سوی دولت برای جلوگیری از تخریب	
مشارکت سرمایه‌گذاری بخش دولتی و خصوصی	سرمایه‌گذاری بافت تاریخی
بررسی نیازهای سازمان‌های اداری، تجاری، آموزشی و هدایت برای سرمایه‌گذاری	
خودکنفایی ساکنین بومی	
فرصت‌های شغلی و توانمندسازی گروه‌های اجتماعی	
به کارگیری نیروی بیکار جامعه	
جلوگیری از توقیف حرفه‌های جاری در بافت کهن کرمان	اشتغالزایی در بافت تاریخی
روتق صنایع دستی	
دسترسی آسان به گروه‌های اجتماعی	
برقراری سیستم اجاره نشینی منصفانه	
ساخت مسکن ارزان قیمت	
استفاده درست از زمین‌های بایر	
افزایش ارزش افزوده	
چلوگیری از سودآوری زمین	
اصلاح قوانین و حقوق کاربری زمین	
تعیین وضعیت املاک در حال تخریب بی ارزش	
جایگزینی ساختمان‌های چند منظوره	
پیشنهاد اختلاط کاربری مسکونی، تجاری، اداری و تفریحی	
ادغام عملکرد تاریخی و فعالیت‌های اجتماعی، تفریحی و آموزشی	
گسترش فعالیت‌های تجاری در امتداد محورهای اصلی	
تقویت ابعاد کالبدی و کارکردی	
تقویت محدوده‌های ذهنی	
حفظ ارزش‌های ماندگار بافت کهن کرمان	هویت اجتماعی و استحکام آن
جلوگیری از توقیف حرفه‌های جاری و بومی	
تشویق به برپایی خرده فروشی‌ها مرتبط با بافت کهن کرمان	
تأکید بر باززنده سازی قسمت‌هایی از بافت کهن کرمان	
نگهداری و حفظ شور و حال زندگی در بافت کهن کرمان	
تشویق به حضور در فضا	
جلوگیری از گسست بافت کهن در برابر مسائل اجتماعی	
توانمندسازی گروه‌های اجتماعی	زندگی اجتماعی
ایجاد امنیت اجتماعی	
افزایش میزان تراکم جمعیت در بافت کهن کرمان	
تضمین حضور ساکنین بومی در بافت کهن کرمان	
خروج مشاغل مرود اعتراض ساکنین بافت کهن کرمان	
حضور در محل و شناسایی مشکلات موجود	
کاهش میزان جرم	
افزایش کیفیت خدمات اجتماعی	
تقویت رابطه همسایگی	ارتقاء سطح کمی و کیفی زندگی

تسهیل مشارکت مردمی	
آموزش و تشویق ساکنین به حفظ بافت کهن کرمان	افزایش مشارکت مردمی
مشارکت با مردم از ابتدا تا انتهای پروژه	
حفظ هویت شهری در بافت کهن کرمان	
حفظ ارزش‌های فرهنگی و بومی	
حفظ و احیای شخصیت اسلامی	
ایجاد پیوستگی بین فضاهای کالبدی و فرهنگی	
ایجاد فعالیت‌های خدماتی و فرهنگی	تقویت تاریخ و فرهنگ اسلامی بافت تاریخی
تاکید بر محورهای فرهنگی و تاریخی	
اعطای نقش فرهنگی و دانشگاهی به بافت کهن کرمان	
استفاده از ساکنین بومی	
تاکید بر ایجاد کاربری‌های موزه‌ای و عملکردی	
تداوم کاربری تاریخی سازگار با بافت کهن کرمان	
توجه به ارزش‌های فرهنگی و توسعه صنعت گردشگری	
پشتیبانی از هنرمندان بومی و صنایع وابسته به آن	تبدیل بافت تاریخی به بافت تاریخی بین‌المللی
افزایش آگاهی افراد محلی در برخورد با گردشگران	
بهره‌گیری از هنر ساکنین برای نمایش هویت محله‌ای	
آموزش روش‌های برخورد با بافت تاریخی و حفظ آن در دروس دانشگاهی	
ایجاد دوره‌های آموزشی در برخورد با موضوعات بافت کهن کرمان	ازتقاء سیستم آموزشی
برگزاری سخنرانیها و سمینارهای شفاف سازی ارزش بافت کهن کرمان	
برنامه‌ریزی عملکردی و اجرایی و نظارت مفید	
کمیته ناظر بر انجام کارهای اجرایی	
دفتر محلی مستقر در بافت کهن کرمان	
ساختار مدیریت یکپارچه منعطف با قوانین	مدیریت صحیح بافت تاریخی
جلب اعتماد بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری	
مدیریت پایدار گردشگری	
تداوم نگهداری مناسب از محدوده بافت کهن	
تعیین وظایف بخش خصوصی و عمومی در جهت اهداف اقتصادی و اجتماعی	
تدوین مقررات حفظ بافت کهن کرمان	
توسعه و پیشرفت سیستم‌های مدیریتی بناهای با ارزش بصورت اموال قانونی	قوانین و مقررات
قوانین حفاظت در بافت کهن کرمان	

در انطباق‌پذیری ساختار فضای معماری بافت کهن کرمان باید طراحی نمای ابنیه به صورتی باشند که ارتباطی عملکردی و سازمان یافته با درون بنا و همچنین کلیت بافت داشته باشد. به این صورت می‌توان از هماهنگی تحت عنوان وحدت معماری در بافت سخن گفت. عملکرد بناهای موجود در بافت شناخته شود و سپس براساس کارکردی که این بنا دارد در خصوص مصالح و دیگر موضوعات وابسته به آن موضوع معماری آن سنجیده شود. هندسه و تزیینات موجود در ظاهر و باطن نما باید در عین سادگی حاکی از نظم درونی و رعایت تناسبات و مقیاس‌های استاندارد شده که ملاک آن می‌تواند انسان باشد انجام یابد. هماهنگی میان اجزاء مختلف بافت با توجه به اندازه ابنیه و عملکرد آنها باید وجود صورت پذیرد. در کنار درجاتی از تضاد بین ابنیه باید توازن و هماهنگی در بیشتر عناصر و اجزاء معماری دیده شود. باید به موضوع اصالت تاریخی و شهری بافت توجه شود و در خصوص حس مکان و تعلق که می‌تواند برای مخاطبان خود داشته باش، به آن توجه ویژه گردد.

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

این موضوع بسیار با اهمیت است که بافت کهنی چون شهر کرمان برای نوع و گونه خاصی از زندگی و روابط اجتماعی شکل گرفته و با روند زندگی و قوانین زمان خود ساختار فضایی کالبدی معماری آن رشد نموده است و به صورت معماری و شهرسازی زمان خود رسیده است. این اهمیت در جهت انطباق‌پذیری بافت با طراحی کنونی در تعاملی بسیار سازنده است. توانایی هماهنگ شدن با موضوعات روز توسط طراحی استاندارد تاریخی گذشته در زمان حاضر جوابگو نخواهد بود و در این مسیر می‌توان به دو راهکار زیر اشاره نمود، فراموش کردن بافت تاریخی کرمان و طراحی نوین و جدید براساس الگوهای امروزی صادراتی؛ طراحی بافت کنونی براساس مؤلفه‌های تاریخی ولی تعامل یافته با موارد زندگی روز. با توجه به دستاورد تحقیق در این پژوهش براساس یافته‌های تحقیق و بررسی منابع در مبانی نظری راهکار دوم با اهمیت‌ترین موضوعی است که کشورهای توسعه‌یافته دارای تاریخ معماری و شهرسازی مورد استفاده قرار داده‌اند. نتایج توجه به کالبد فضایی معماری بافت کهن کرمان که مملو از موضوعات تاریخی و هویتی کرمان است. در برخورد با تجربیات معماری و شهرسازی کشورهای دارای چنین مواردی دارای دست آورد مفیدی خواهد بود. در پژوهش حاضر نیز این گونه مطرح می‌گردد که مؤلفه‌هایی به صورت جدول (۸) می‌توانند به عنوان ویژگی‌های فضایی کالبدی بافت در طراحی کنونی مورد استفاده قرار بگیرند. باید این عوامل را در کنار موضوعات روز نیز که دائما دستخوش تغییرات به واسطه شیوه زندگی مدرن هستند، قرار داد. فناوری‌های موجود در بحث زندگی و وارد شده در عرصه طراحی معماری به صورت خرد و کلان، می‌تواند طراحی را منطبق تر از توجه به تاریخ گذشته بلکه منطبق با آینده بافت کهن و دیگر مناطق شهری کنونی کرمان دانست.

جدول ۸: ویژگی‌های کالبدی همخوان در بافت‌های تاریخی جهت تطبیق‌پذیری کلان و خرد فضای معماری منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

ردیف	ویژگی کالبدی معماری در امر تطبیق‌پذیری بافت تاریخی
۱	فرم معماری همخوان؛
۲	تناسبات مقیاس انسانی؛
۳	توجه به فرم ساختاری بنای معماری؛
۴	استفاده از مصالح خوانای بافت چون آجر و سنگ منطقه؛
۵	پرداخت به نمای ساده و منطبق بر اصول زیبایی بناهای قدیمی؛
۶	ایجاد کد ارتفاعی‌های همسان جهت ایجاد خط آسمانی موزون؛
۷	ایجاد ارتباطات صحیح کاربری‌ها براساس حرکت‌های تعریف شده؛
۸	ایجاد ریتم در قرارگیری بناها در ایجاد فضاهای منعطف؛
۹	وجود هارمونی رنگ، بافت، مقیاس اما در قالبی منعطف در کلیت ساختار معماری؛
۱۰	پرداخت به مسائل فرهنگی و بومی در ایجاد بناهای معماری؛

منابع:

مهسا حاجی فتحعلی، محسن فیضی، عاطفه دهقان توران پستی (۱۳۹۹)، راهبردهای کوتاه مدت برای کاهش اثرات مخرب جزایر گرمایی در مناطق شهری، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دوره ۱۰، شماره پیاپی ۳۸، صفحه ۱۹۵-۲۱۴

ناجیه ابویسانی جغتائی، امیر فرج الهی راد، منصور یگانه (۱۴۰۰)، تبیین سرفصل‌ها و معیارهای محیطی جهت ارزیابی پایداری ساختمان‌های مسکونی جدید الاحداث در راستای طرح‌های شهری و آمایش شهر، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای

تأثیر و تأثرات مؤلفه‌های ساختار فضایی... ۶۰۷

وحیده باقری، احد نژاد ابراهیمی (۱۳۹۷)، بهینه‌سازی انرژی در طراحی نمای ساختمان با تأکید بر رویکرد مهندسی ارزش (مطالعه موردی: مجموعه تجاری- اقامتی امید مشهد)، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دوره ۸، شماره ۲ - شماره پیاپی ۳۰، صفحه

۱۹۵-۲۰۷

- Adam, R. (1998) Tradition: the driving force of urban identity. IN Warren, J., Wortnington, J. & TAYLOR, S. (Eds.) Context: new buildings in historic settings. York, Architectural Press.
- Araoz, G.F. (2008) 'World-Heritage historic urban landscapes: defining and protecting authenticity' APT 2008-Association for Preservation Technology International, 2/3 July.
- Bemanian, Mohammadreza, Pourjafar, Mohammadreza, Ahmadi, Ferial, and Sadeghi, Alireza. (2010). A Review of the Intellectual Identity and Sacred Symbols in the Architecture of Shiite Mosques, Research Quarterly of Shiite Studies, 8 (30).
- Cantacuzino, S. (1998) Assessing quality: the pertinent criteria for designing buildings in historic settings. IN Warren, J., Wortnington, J. & TAYLOR, S. (Eds.) Context: new buildings in historic settings. York, Architectural Press
- Davis, M. (2003). Design in the Historic Environment. Building Conservation Elish, A.M. (1994). Contextualism in Architecture: a Comparative Study of Environmental Perception. The University of Michigan, 63-75
- Falconer, M., & Frank, J. (1990). Sufficiency of Infrastructure Capacity for Infill Development. Journal of Urban Planning and Development, 116(3).
- Farahza, N. (2011). Infill Buildings Facilitate the Presence of New Structures in Old Texture. Second International Conference on Architecture & Structure, Faculty of Fine Arts, Tehran University, Iran. (in Persian)
- Ghadiri, B. (2007). New Structures in Historical Environments. Tehran: Office of Cultural Studies. (in Persian)
- Gifford, R., & Hine, D.W. (2002). Why Architects and Layperson Judge Building Differently: Cognitive Properties and Physical Base. Journal of Architecture and Planning Research, 19(2), 131-154.
- Groat, L.N. (1992). A Study of Perception of Contextual Fit in Architecture. In: DousAmedeo et al. (Eds.), Proceedings of the 14th Annual Environmental Design Research Association and Practice, Edra, University of Nebraska- Lincoln. 160-161
- Kalantari, Khalilabad, Hataminejad, Hossein, Pourahmad, Ahmad. (2005). Management and planning of restoration of historic texture of yazd city, Geographical Research Journal, No (48), Winter, pp.77-92.
- Khademi, M., & Alipour, R. (2011). Infill Structures Influence on Stimulating of Development in Worn-out Urban Tissues. Journal of Landscape, 14, 80- 83. (in Persian)
- Najafi, Abbas, Lotfi, Heidar, Mojtahed, Pirouz, Ezati, Ezatollah, (2020). Analysis and study of the border geography of Iran. Human Geography Research, No. 2, 1-12. (In Persian).
- Pakzad, J. (2010). An Intellectual History of Urbanism. Tehran: Armanshahr. (in Persian)
- Pourlima, Naghme, BandarAbad, Alireza, Majedi, Hamid. (2019). Physical and social resilience of residential areas of historical context. Human Geography Research, No. 2, 1-12. (In Persian).
- Rafieian, M., Barati, N., & Aram, M. (2010). Measuring Developing Capacity of Unused Spaces in Qazvins City Center, with Emphasising on Infill Buildings Development. Approach. Scientific Journal of Honar University, 5, 45- 61.
- Reis, L., & Dias Lay, M.C. (2010). Internal and External Aesthetic of Housing Estates. Environmental and Behavior, SAGE Publication, 42.
- Roberts, Peter. (2000). The Evolution, Definition and Purpose of Urban Regeneration. In Urban Regeneration: A Handbook, eds. Peter Roberts & Hugh Sykes, Saga Publications.
- Semes, W. (2009). The Future of the Past: A Conservation Ethic for Architecture. Urbanism, and Historic Preservation. Available at www.North Company. 21/05/2015, 163-178.

- Shah Teymouri, Y., & Mazaherian, H. (2012). Design Guidelines for New Constructions in Historic Context. *Honarhaye Ziba*, 17(4), 29-40. (in Persian)
- Sotoude, H., & Wan Mohd Zakri, W.A. (2013). Evaluation of Fitness of Design in Urban Historical Context: From the Perspective of Residents. *Frontiers of Architectural Research*, 2, 85- 93. (in Persian)
- Sotoude, H., & Wan Mond Zakri, W.A. (2012). Affected Variables on Successful in Fill Design in Urban Historic Context. *Arts and Design Studies*, 3, 7-12(in Persian)
- Tylor, N. (2006). *Historic Preservation: a Introduction to Its History. Principles and Practice*. 3rd Edition. Available at www.Norton, Co. 21/05/2015.
- Warren, J. (1998) The historic context: principles and philosophies. IN Warren, J., Wortnington, J. & Taylor, S. (Eds.) *Context: new buildings in historic settings*. York, Architectural Press.
- Wortnington, J. (1998) managing and moderating change. IN Warren, J., Wortnington, J. & Taylor, S. (Eds.) *Context: new buildings in historic settings*. York, Architectural Press.
- Zarabi, Asghar, Saberi, Hamid, Mohammadi, Jamal and Hamid Varati (2012), Spatial Analysis of Urban Growth Indicators. *Human Geography Research*, No. 77, (In Persian).